

Spiritual health from the perspective of Nahj al-Balagha statements

Masoud Nakhaei Moghadam¹, Mahdi Fani^{1*}

1- Department of Islamic education, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

In this study, according to the words of Imam Ali(as) in Nahj al-Balagha is attempted to achieve a sense of spiritual health. For this purpose, it was focused on the use of the health word in this collection and found physical (physical) and spiritual health is considered. Since the word "spirituality" was not used in Nahj al-Balagha, inevitably we referred to the words of the Nahj al-Balagha commentators and found this term is commonly used in the mystical, moral and religious aspects. And partly this application can be seen in the words of non-Islamic researchers, then in the end, it is likely that spiritual health, a set of "true beliefs with respect for moral values" have been augmented.

Keywords: Spiritual Health, Nahj al-Balagha, Statements

*Corresponding Author: Mahdi Fani; Email: Fanimahdi @chmail.com

نگاهی به سلامت معنوی در گزاره‌های نهج‌البلاغه

مسعود نخعی مقدم^۱، مهدی فانی^{۱*}

۱- گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

در این پژوهش با توجه به سخنان امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه، تلاش شده تا به مفهومی از سلامت معنوی دست یابیم؛ برای این مقصود به جستجو در کاربرد واژه‌ی سلامت در این مجموعه پرداخته‌ایم و به این نتیجه دست یافته‌ایم که سلامت در دو بُعد مادی (جسمی) و غیرمادی (اخلاقی و روحی)، مورد توجه قرار گرفته است و از آنجایی که واژه‌ی «معنویت» در این کتاب شریف به کار برده نشده، به ناچار به کلام تفسیرکنندگان نهج‌البلاغه رجوع کردیم و دریافتیم که این واژه به طور شایع در جنبه‌های عرفانی، اخلاقی و عبادی، به کار رفته است و تا حدودی نیز این کاربرد را در سخنان اندیشمندان غیراسلامی می‌توان مشاهده نمود. سپس در پایان، این احتمال که سلامت معنوی، مجموعه‌ی از «باورهای صحیح با رعایت ارزش‌های اخلاقی» باشد را تقویت نموده‌ایم.

واژگان کلیدی: گزاره، سلامت معنوی، نهج‌البلاغه

مقدمه

نهج‌البلاغه، مجموعه‌ی ارزشمند از سخنان امیر مؤمنان، حضرت علی (علیه‌السلام) است. این کتاب، پس از قرآن اهمیت خاصی در میان مسلمانان، به ویژه پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد. سخنان امام علی (علیه‌السلام) تنها متعلق به زمانی که ایشان زندگی می‌کرده‌اند، نیست؛ بلکه نسخه‌ی شفابخش برای همه‌ی قرن‌ها و زمان‌ها است. درمان بسیاری از دردها و رنج‌های انسان کنونی را می‌توان در سخنان حیات‌بخش ایشان در نهج‌البلاغه جستجو کرد. امام، خود در این‌باره فرموده‌اند: «همانا ما امیران سخن هستیم؛ درخت سخن در ما ریشه دوانده و شاخه‌های آن بر ما سایه افکنده است» (۱).

راز این شفابخشی را در ارتباط و اتصالی باید دانست که این شخصیت بزرگ با خداوند داشته است؛ و از طرفی، هماهنگی و همراهی ایشان با فرستاده‌ی خداوند، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم)، زمینه‌ی شده تا ایشان از علم و دانش پیامبر (ص) بهره‌مند گردند و پس از پیامبر (ص)، جهانیان را از اندیشه و حکمت‌های خود بهره‌مند سازند. اگر در دنیای امروز از سلامت و بیماری سخن گفته می‌شود و دایره‌ی آن را در بدن و کالبد انسان جستجو می‌کنند، امام علی (ع) آن

را در محدوده‌ی جسم خلاصه نمی‌کنند و روح را نیز مشمول سلامت و بیماری می‌دانند و حتی بیماری قلبی (روحی) را سخت‌تر و دردناک‌تر از بیماری جسم می‌دانند (۲). اگر برای دنیای معاصر، آرامش اهمیت پیدا کرده و آن را در ماده و اثر برخاسته از آن، دنبال می‌کند، امام (ع) آن را در دایره‌ی حق جستجو می‌کند و می‌فرماید: «آرامش خود را تنها در حق جستجو کن و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیندازد» (۳). اگر در اندیشه‌ی بشر امروز، سلامت و عافیت به جسم و تن اختصاص یافته، امام آن را فراتر از بدن می‌دانند و سلامت از گناه را نیز یکی از جنبه‌های سلامت می‌دانند (۴)، به امید آنکه بشر امروز معرفت و بهره‌ی بیش‌تری از این نسخه‌ی شفابخش بیابد.

واژه‌ی «معنوی» و واژه‌ی «معنویت» و نیز ترکیب واژه‌ی سلامت و معنویت (سلامت معنوی)، در نهج‌البلاغه به کار برده نشده است، بنابراین برای تعیین محدوده‌ی سلامت معنوی در این کتاب شریف، نیازمند دقت و تحلیل در واژگان مزبور خواهیم بود تا در نتیجه ما را در پیدا کردن مصداق‌هایی از مفهوم سلامت معنوی یاری رساند. در عین حال واژه‌ی سلامت و هم‌خانواده‌های آن و نیز لفظ‌هایی هم‌معنا با سلامت، همچون «عافیت» و «صحت»، در نهج‌البلاغه مورد استفاده قرار گرفته

سلامت معنوی در میان صاحب‌نظران اسلامی است، که تحقیق را با دشواری روبرو می‌کند. از طرفی دستیابی به محدوده‌ی معنایی سلامت معنوی در نهج‌البلاغه و سخنان امام علی(ع)، از نقطه‌های قوت این پژوهش به حساب می‌آید.

کاربرد واژه‌ی سلامت در نهج‌البلاغه

واژه‌ی سلامت و هم‌خانواده‌های آن در نهج‌البلاغه، در موضوع-های مختلفی به کار رفته که توجه به آن‌ها، ما را در پیدا کردن وسعت مفهوم و معنایی که «سلامت» دارد، یاری خواهد کرد. جدول شماره‌ی ۱ که در پی می‌آید، به این موارد اشاره می‌نماید:

جدول ۱. کاربرد واژه‌ی سلامت در نهج‌البلاغه

شماره	تعبیر	کاربرد
۱	سلامت	در مسیر درستی و هدایت بودن(۵).
۲	سلامت	انسان‌هایی که تسلیم فرمان پروردگارند(۶).
۳	سلامت بدن	استفاده از فرصت سلامتی برای انجام عمل و ذخیره‌ی آن برای آخرت(۷).
۴	سلامت چشم	شرایط حیوانی که برای قربانی استفاده می‌شود(۸).
۵	نشانه‌ی سلامت	اسلام که سعادت دنیا و آخرت را تأمین می‌کند(۹).
۶	سلامت جسم	حسادت، سلامت جسم را به خطر می‌اندازد(۱۰).
۷	سلامت دین	غبطه خوردن به کسانی که دینشان سالم است(۱۱).
۸	سلامت	مردم از آزار مسلمان واقعی در سلامت و در امان هستند(۱۲).
۹	سلامت	دور بودن از هوای نفس و دنیاپرستی(۱۳).
۱۰	سلامت	نهی از منکر دل را از آلودگی‌ها سالم نگاه می‌دارد(۱۴).

که می‌تواند مسیر پژوهش را در رسیدن به نتیجه‌ی نهایی هموار کند.

برای جبران نبود واژه‌ی معنویت در متن نهج‌البلاغه، لازم است به کاربرد این واژه در میان شرح‌هایی که بر این کتاب شریف به نگارش درآمده توجه کرد تا نظر نویسندگان و اندیشمندانی را که درباره‌ی نهج‌البلاغه سخن گفته‌اند را درباره-ی «معنویت» به دست آوریم و بتوانیم به جمع‌بندی درباره‌ی «سلامت معنوی» دست یابیم. بنابراین روش تحقیق در این باره، روشی توصیفی و تحلیلی خواهد بود. با توجه به آنچه گفته شد، از محدودیت‌های این پژوهش، نبود کاربرد واژه‌ی «معنویت» در این کتاب شریف و نبود تعریف واحد، جامع و کامل از مفهوم

با توجه به کاربرد واژه‌ی «سلامت» و آنچه از آن اشتقاق یافته است، به نکته‌هایی پی می‌بریم که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- واژه‌ی سلامت هم در سلامت مادی(جسمی) و هم در سلامت غیرمادی به کار رفته است.

- واژه‌ی سلامت در نهج‌البلاغه، بیش‌تر در سلامت غیرمادی به کار رفته است.

- آیین اسلام رابطه‌ی مستقیمی با سلامت مادی و غیرمادی دارد و تأمین‌کننده‌ی هر دوی آن‌ها است.

- واژه‌ی سلامت در نهج‌البلاغه بیش‌تر درباره‌ی ارزش‌های اخلاقی و الهی به کار رفته است.

کاربرد واژه‌ی معنویت در کلام اندیشمندان

با کاوش در تعبیرهایی که شرح‌کنندگان نهج‌البلاغه درباره‌ی واژه‌ی «معنویت» به کار برده‌اند، می‌توان تا حدود زیادی به محدوده‌ی معنایی این واژه پی برد. در بیش‌تر این موارد، نویسندگان واژه‌ی یاد شده را همراه کلمه‌ی دیگری استفاده کرده‌اند و به نوعی دست به یک تقسیم‌بندی زده‌اند، مانند

مشترک لفظی و معنوی، هنرهای لفظی و معنوی، تیرگی‌های مادی و معنوی، صورت‌های حسی و معنوی و ... که این کار ضمن تقسیم‌بندی موضوع یا مفهوم به دو مورد(که یک مورد آن معنوی است)، بین واژه‌ی «معنوی» و واژه‌ی دیگر نوعی تقابل و رویارویی ایجاد خواهد کرد. در مثال‌هایی که ذکر شد، بین مادی و معنوی و یا حسی و معنوی، نوعی تفاوت و جدایی وجود دارد که(به قرینه‌ی مقابله) ما را در فهم معنای واژه‌ی معنویت یاری خواهد کرد. در جدول شماره‌ی ۲ که در ادامه می‌آوریم، به نمونه‌هایی از این کاربردها اشاره می‌شود.

جدول ۲. کاربرد واژه‌ی معنویت در کلام اندیشمندان

شماره	واژه	کاربرد	مفهوم مقابل
۱	طهارت (پاکی) معنوی	از بین بردن آلودگی‌های اخلاقی و آراستن نفس به فضیلت‌های اخلاقی (۱۵).	طهارت (پاکی) ظاهری
۲	شایستگی روحی و معنوی	عصمت امامان (ع) نزد شیعیان (۱۶).	شایستگی ظاهری
۳	جنبه‌ی معنوی	انسان که دارای روح ملکوتی است (۱۷).	جنبه‌ی مادی
۴	حواس معنوی	حواس درونی انسان، مانند عقل که وسیله‌ی برای درک است (۱۸).	حواس مادی
۵	هلاکت معنوی	محروم شدن انسان از ثواب و گرفتار شدن به عقاب در آخرت (۱۹).	هلاکت مادی
۶	غایت (سرانجام) معنوی	سرانجام انسان در این دنیا مرگ خواهد بود (۲۰).	غایت حسی
۷	خواب معنوی	گمراهی و غفلت انسان (۲۱).	خواب مادی
۸	نور معنوی	یافتن یقین در مسیر هدایت (۲۲).	نور ظاهری
۹	علو معنوی	مقام و عظمت الهی (۲۳).	علو مکانی
۱۰	تاریکی معنوی	جهل و نادانی در انسان (۲۴).	تاریکی مادی

دست آورد؛ و از سوی دیگر سلامت معنوی را به پیدا کردن حسن معنا در زندگی مربوط می‌داند و معتقد است تأثیر آن در زندگی اجتناب‌ناپذیر است. سپس اعلام می‌کند که برخی معنویت را مربوط به دین‌های سنتی می‌دانند و برای آن از مسیحیت، هندویسم و بودیسم مثال می‌آورند. برخی نیز معنویت را به رشد در رابطه‌ی شخصی با دیگران و صلح با طبیعت می‌دانند.

در ارزیابی از سلامت معنوی، بر داشتن امید، تعهد، ارزش-مداری و بهره‌مندی از چشم‌اندازی مثبت در زندگی تأکید می‌کنند و احساس پوچی، اضطراب، ناامیدی و بی‌تفاوتی را نشانه‌ی از فقر معنوی می‌دانند. از طرفی گروهی از نظریه-پردازان روش‌هایی را برای بهبود سلامت معنوی پیشنهاد می‌کنند؛ که از جمله‌ی این روش‌ها این‌ها است: لحظه‌هایی از زندگی را به سکوت سپری کردن؛ قضاوت نکردن و داشتن ذهنی باز (توسعه یافته)؛ بخشیدن دیگران؛ پرداختن به دعا، تفکر و عبادت؛ و شاد بودن در زندگی.

در این دانشگاه علاوه بر محیط آموزشی دانشگاه، از روحانیان مذهب‌های گوناگون نیز برای مراقبت معنوی بهره گرفته‌اند و خدماتی را به قشر دانشگاهی (دانشجویان، استادان و کارمندان) عرضه می‌کنند (۲۵).

دانشگاه «نیوه‌مپشایر»، نشانه‌هایی را برای سلامت معنوی ذکر می‌کند؛ از جمله: هدف‌دار بودن در زندگی؛ تفکر درباره‌ی حادثه‌های زندگی؛ داشتن حسی روشن از درست و نادرست و بر طبق آن عمل کردن؛ توانایی توضیح دادن درباره‌ی آنچه فکر می‌کنید و اینکه چرا به آن فکر می‌کنید؛ و تمرین بخشش و مهربان بودن در زندگی.

آنان روح را جنبه‌ی نادیده‌ی وجود انسان دانسته‌اند و معتقدند با مراقبت از روح می‌توان آرامش را در زندگی تجربه کرد و با داشتن روحی قوی در برابر حادثه‌های سهمگین

با دقت در کاربرد واژه‌ی «معنوی» در جدول شماره‌ی ۲، به چند نکته درباره‌ی آن پی می‌بریم که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

- این واژه معمولاً در موضوع‌هایی که جنبه‌ی درونی و باطنی دارد به کار گرفته می‌شود؛ مانند عقل.

- واژه‌ی «معنوی» به موضوع‌هایی که جنبه‌ی غیرمادی و غیرحسی داشته باشد، اطلاق می‌گردد؛ مانند روح.

- این واژه درباره‌ی مفهوم‌هایی به کار گرفته می‌شود که با ابزار مادی سنجش‌شدنی نیست؛ مانند علو معنوی درباره‌ی مقام و عظمت الهی.

- کاربرد واژه‌ی «معنوی» درباره‌ی ارزش‌های اخلاقی، عرفانی و عبادی در کلام صاحب نظران، شایع است.

- مشاهده و تجربه‌ی حسی، وسیله‌ی مناسبی برای اثبات موضوع‌های معنوی نیست و برای اثبات آن نیازمند دلیل‌های نقلی یا عقلی هستیم؛ مانند اثبات «عصمت» در امامان (ع) که با دلیل‌های عقلی یا نقلی (نص) اثبات‌شدنی است.

جایگاه سلامت معنوی در دنیا

امروزه در کشورهای مختلف دنیا و مراکزهای آموزشی، به ویژه دانشگاه‌ها، به اهمیت «سلامت معنوی» پی برده‌اند و به تأثیر آن در جنبه‌های گوناگون سلامت اعتراف دارند. اما هر گروهی به تفسیر خود از این واژه می‌پردازد و برای تأمین سلامت معنوی، راهکارهایی عرضه می‌کند. آشنایی با این تعریف‌ها و الگوهایی که برای این بخش از سلامت مطرح می‌کنند، ما را در تشخیص محدوده‌ی سلامت معنوی و نمایاندن الگویی، با توجه به معیارهای دینی، یاری می‌کند.

دانشگاه تامپسون در کلمبیا، از سویی معنویت را درباره‌ی روح انسان مطرح می‌کند و روح را عمیق‌ترین بخش وجودی انسان می‌داند که به انسان کمک می‌کند تا قدرت و امید را به

همان‌طور که از جستجوی واژه‌ی سلامت در نهج‌البلاغه به دست آمد، این واژه و هم‌خانواده‌های آن در دو بُعد سلامت مادی و سلامت غیرمادی به کار برده شده، که ارزش‌های اخلاقی و الهی از جمله‌ی آن است؛ و با توجه به اینکه دانشمندان و صاحب‌نظران اسلامی و غیراسلامی به‌طور شایع، واژه‌ی معنویت را در رابطه با ارزش‌های اخلاقی و دینی (عبادت، نیایش و تفکر) به کار برده‌اند، به نظر می‌رسد انسانی که از ایمان و باوری صحیح برخوردار است و در مسیر هدایت الهی گام بر می‌دارد و از آلودگی‌های اخلاقی پرهیز می‌کند، به مرحله‌ی سلامت روح رسیده است که می‌توان به آن «سلامت معنوی» را اطلاق کرد. این نوع برداشت از سلامت، می‌تواند با بیماری جسمی جمع شود، بدین معنا که ممکن است فردی جسم بیماری داشته باشد ولی روح او سالم باشد، همان‌گونه که امکان دارد جسم او سالم باشد ولی روح او بیمار. از سویی، همان‌گونه که پژوهشگران نیز باور دارند، این موضوع پذیرفتنی است که سلامت روح در بهبود بیماری‌های جسمی مؤثر باشد.

در اینجا این پرسش به ذهن می‌رسد که چه رابطه‌ی بین سلامت روان و سلامت معنوی وجود دارد؟ و آیا سلامت روان همان سلامت معنوی است؟

به نظر می‌رسد بین این دو نوع سلامت، رابطه‌ی تساوی برقرار نباشد؛ هرچند جنبه‌های مشترکی بین آن دو وجود داشته باشد. بنابراین ممکن است کسی از نظر روانی دچار اضطراب باشد اما در عین حال از سلامت معنوی (باور صحیح و اخلاق الهی) برخوردار باشد؛ و برعکس، ممکن است کسی ایمان و عمل صالح نداشته باشد، ولی ارزیابی روان‌شناختی او مثبت باشد، زیرا در این‌گونه ارزیابی‌ها، ایمان و اعمال مذهبی او اندازه‌گیری نمی‌شود.

هدف از سلامت معنوی

از زمانی که بحث سلامت معنوی در دنیا مطرح شد و سازمان بهداشت جهانی آن را یکی از جنبه‌های سلامت قلمداد کرد، این سلامت را عاملی تأثیرگذار در بهبود سلامت جسمی و کاهش بیماری‌ها به شمار آوردند و به‌طور کلی هدف از معنویت را در چارچوب هدف‌های مادی و جسمی خلاصه کردند. با اینکه خاستگاه معنویت را به اعتراف خود آن‌ها باید در روح آدمی جستجو کرد، ولی آنان مقوله‌ی روح را برای غرض و هدف محدودی دنبال کرده‌اند؛ از این‌رو برای آنان مهم نخواهد بود که این معنویت را از کجا باید بدست آورد؟! مهم برای آنان، رسیدن به آرامش، تمرکز و درون‌نگری است، هرچند آن را از عرفان‌های آمیخته به شرک، چون هندویسم

زندگی، از خود مراقبت کرد. آنان همچنین برای بهره‌مند شدن از سلامت معنوی، روش‌ها و تشکیل جلسه‌هایی برای مراقبت، پیشنهاد می‌کنند که از جمله‌ی آن‌ها مدیتیشن و یوگا است که برای آرامش بدن و ذهن و عمق‌بخشی به آگاهی و تسهیل درک عمیق‌تر از خود و دیگران، از آن استفاده می‌کنند (۲۶).

محققان دانشگاه «نُرتن لوا» معتقدند سلامتی به جنبه‌های مختلف جسمی، روحی، ذهنی و روانی انسان مربوط می‌شود و سلامت معنوی را به «خود درونی» انسان مربوط میدانند و می‌گویند نمی‌توان برای سلامت معنوی تنها یک تعریف قائل شد. آنان می‌گویند: معنویت در نظر برخی از افراد، هم‌معنا با دین سنتی است و برخی دیگر معنویت را در کیفیت رابطه‌ی شخصی و یا عشق به طبیعت جستجو می‌کنند. آنان پایه‌ی اساسی برای سلامت معنوی را در معنادار بودن زندگی و پیدا کردن جایگاه خود در زندگی می‌دانند.

آنان اعتقاد دارند بسیاری از رفتارهای مربوط به سلامتی، جزئی از زندگی معنوی سالم است؛ از جمله‌ی این رفتارها، ای‌ها است: فعالیت‌های داوطلبانه؛ پذیرش مسئولیت اجتماعی؛ خوش‌بینی؛ کمک به جامعه؛ ارتباط با دیگران؛ داشتن احساس تعلق به یک گروه؛ و عشق به خود را دلیلی برای مراقبت از خود دانستن (۲۷).

جمع‌بندی

براساس آنچه از تعریف سلامت معنوی که برخی از پژوهشگران دانشگاه‌های مختلف دنیا مطرح کرده‌اند، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

- پژوهشگران به ارتباط سلامت معنوی با حقیقت درونی انسان، یعنی «روح» معترف هستند.
- آنان به تأثیر معنویت در بهبود سلامت جسمی تأکید می‌ورزند.

- هنوز تعریف یکسانی از معنویت و سلامت معنوی بیان نشده است.

- سلامتی تنها به سلامت جسم انسان محدود نمی‌شود؛ بلکه دیگر جنبه‌های وجودی انسان را نیز در بر می‌گیرد.

- آنان به نقش دین و مذهب در ایجاد و بهبود سلامت معنوی معترف هستند.

- آنان معنویت و سلامت معنوی را تنها درباره‌ی موضوع‌های مذهبی و دینی در نظر نمی‌گیرند، بلکه آن را شامل آنچه مربوط به بُعد فکری، رفتاری یا روان‌شناختی انسان نیز می‌شود، مطرح می‌کنند.

سلامت معنوی در نهج‌البلاغه

1. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Dashti M (translator). 1 th Ed. Qom: Mashhoor Publishing Institute; 2000. P. 471.
2. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Hekmat 288 .
3. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Dashti M (translator). 1 th Ed. Tehran: Mashhoor Publishing Institute; 2000. Khotbeh 120, P. 247.
4. Imam Ali, Nahjolbalagheh, Dashti M (translator). 1 th Ed. Qom: Mashhoor Publishing Institute; 2000. Hekmat 299, P. 703.
5. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Khotbeh 151, P. 210 .
6. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Khotbeh 147, P. 205 .
7. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Khotbeh 83, P. 110.
8. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Khotbeh 53, P. 90 .
9. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Khotbeh 152, P. 212.
10. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Hekmat 225, P. 508 .
11. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Khotbeh 86, P. 116 .
12. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Khotbeh 167, P. 242.
13. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Nameh 3, P. 365.
14. Imam Ali. Nahjolbalagheh, Sobhi S (translator). 1 th Ed. Qom: Institute of Daralhejreh. Hekmat 373, P. 541.
15. Hashemi Khoei H. Sharhe nahjolbalagheh (Minhaj Bara'ah). 4 th Ed. Tehran: Maktab Aleslameih; 1979. Vol . 19, P. 332.
16. Hashemi Khoei H. Sharhe nahjolbalagheh (Minhaj Bara'ah). 4 th Ed. Tehran: Maktab Aleslameih; 1979. Vol . 20, P. 326.
17. Najafi Esfehani M. T. Sharhe ahjolbalagheh (Meftahalsseadat). Tehran: Maktabemostafavi. Vol. 2, P. 191 .
18. Moghniyeh M. J. Fi zelal nahjolbalagheh. 3 th Ed. Beyrot: Darolelmalemalaein; 1979. Vol 2, P. 371.
19. Majlesi M. B. Sharhe nahjolblagheh. Haji alifar M (editor). 1th Ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance ; 1987. Vol. 3, P. 501 .
20. Ebne hadid A. Sharhe nahjolblagheh. Ebrahim M. A (editor). 1th Ed. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library; 1958. Vol. 11, P. 150 .
21. Ghoreyshi S. A. Mofradat nahjolblagheh. Bokaii M. H. 1th Ed. Tehran: Institut nashr hghebleh ; 1988. Vol. 2, P. 1090.
22. Ghoreyshi S. A. Mofradat nahjolblagheh. Bokaii

و بودیسم به دست آورند. اما از نظر مکتب حیات‌بخش اسلام، سلامت جسم گرچه مهم است، ولی این سلامت در جهت تحقق سلامت روح مورد توجه قرار گرفته، بنابراین به آن از باب «اصل و فرع» نگاه می‌شود. امام علی (علیه السلام) در این باره در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «آگاه باشید که فقر، نوعی بلا است؛ و سخت‌تر از فقر، بیماری تن؛ و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری قلب است» (۲۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حضرت علی (علیه السلام) بیماری‌های جسمی را برای انسان با اهمیت دانسته‌اند و تحمل آن را دشوار می‌دانند، ولی بیماری قلبی و روحی را برای انسان مهم‌تر از بیماری جسم می‌دانند؛ و این، همان چیزی است که در نگاه این اندیشمندان مورد غفلت قرار گرفته و فرع به جای اصل به کار رفته است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ذکر شد، «سلامت معنوی» از تعبیرهای نوپیدایی است که عمر چندانی از آن نمی‌گذرد و تعریف یکسانی از آن در میان صاحب‌نظران به چشم نمی‌خورد. افزون بر این، واژه‌ی «معنویت» و «سلامت معنوی» در نهج‌البلاغه به کار برده نشده؛ از این‌رو برای تشخیص محدوده‌ی سلامت معنوی در نهج‌البلاغه، لازم است دست به برداشتی از سلامت معنوی در این کتاب شریف بزنیم، گرچه این برداشت، تعریف سلامت معنوی محسوب نمی‌شود و از سویی نمی‌توان ادعا کرد که این برداشت، برداشتی جامع و کامل است.

از آنجایی که در سخنان مفسران نهج‌البلاغه، واژه‌ی «معنویت» به جنبه‌های درونی و باطنی؛ غیرمادی و غیرحسی اطلاق شده و از سویی کاربرد آن در زمینه‌های اخلاقی، عبادی و عرفانی، شایع است و تا این مقدار را نیز می‌توان در سخنان پژوهشگران غیراسلامی مشاهده کرد، بنابراین تا جایی که این سخنان با اصول اعتقادی و اخلاقی در تضاد نباشد، پذیرفتنی خواهد بود. بنابراین ضمن پذیرش تأثیر معنویت در سلامت و بهبود جسمی انسان، تنها معنویتی را می‌توان پذیرفت که به عقاید شرک‌آلود و نادرست آلوده نشده باشد، زیرا هدف از سلامت معنوی را تنها در داشتن جسم سالم جستجو نمی‌کنیم، بلکه بهره‌مندی از باور و اعتقاد سالم را شرط اصلی برای این نوع از سلامت می‌دانیم!

References

1. Henrik R. Wulff, Stig Andur Pedersen, Raben Rosenberg. Philosophy of medicine; an introduction. Blackwell, oxford, 1990. Translated in persian by Homayoun Moslehi, 2001, the no publisher, p86.

M.H(editor). 1th Ed. Tehran:Institut nashr ghebleh ;1988. Vol.2,P.1070.

23. Modarres vahid A. Sharhe nahjolblagheh. Qom: Modares vahid. Vol .5,P. 122

24. Ebne meisam M. Sharhenahjolblagheh. 2th Ed Tehran : Daftare nashre ketab ;1983.Vol.3,P. 709

25.<http://www.tru.ca/wellness/mywellness/spiritual.html>

26. <http://www.unh.edu/health-services/ohep/spiritual-wellness>

27. <http://uni.edu/studentwellness/spirituality>

28. Imam Ali,Nahjolbalagheh,Dashti M(translator).1thEd.Tehran: Mashhoor Publishing Institute; 2000. Hekmat 388, P.723.